

فقط ۲ سند

از کارنامه ننگین نوشیروان مصطفی و اتحادیه میهنی جلال طالبانی

قادر رشید یکی از مقامات ارشد حزب شیوعی عراق (حزب کمونیست عراق)، کتابی نوشته است با عنوان:

"پشت آشان در میانه درد و سکوت"

نبرد پشت آشان

در اول ماه مه ۱۹۸۳، اتحادیه میهنی کردستان (تحت رهبری مرحوم جلال طالبانی) یورش وسیعی را تحت فرماندهی "نوشیروان مصطفی" به مقرهای نیروهای مخالف در "جبهه جود" آغاز کرد.

اما؛ در همین روز:

نوشیروان مصطفی نامه ای به ستاد مرکزی حزب شیوعی فرستاد. رفیق "قادر" آن را برای ما خواند. در نامه نوشته شده بود: "رفقای حزب کمونیست، نترسید. ما علیه شما نیرو بسیج نکرده ایم، هدف جریانات دیگر است، فقط از کنار مقرر شما رد میشویم، لطفا مانع ما نشوید."

اما برخلاف "قول شرف" این بی شرف، وقتی به مقرر حزب شیوعی رسیدند، کشتار کردند.

قادر رشید میگوید: نوشیروان مصطفی این نیروها را در حمله به قرناق، عشقولکا، رزگا و پشت آشان رهبری کرد که در آن حدود ۷۵ اسیر کمونیست (که اکثرا حتی مسلح نبودند) به طرز وحشیانه ای کشته شدند و حدود ۶۰۰ نفر دیگر از شیوعی ها در این یورش بیرحمانه به قتل رسیدند.

قادر رشید، که در آن زمان از مقامات ارشد حزب بود، در کتاب خود در ادامه چنین نوشته است:

نوشیروان مصطفی از طریق پیام بی سیمی به نیروهای تحت فرمان خود امر کرد:

«من زندانی نمی‌خواهم.»، یعنی اسراء را بکشید.

در ادامه قادر رشید نوشته است:

"نوشیروانی" ها انگشت رفیق دختری به نام "احلام" را قطع کردند تا انگشتر او را بردارند، و سپس جسد تیرباران شده او را در ساحل رودخانه رها کردند. عضو دیگر حزب شیوعی را که "عرب زبان" بود به نام "ابو ماکسیم" و دارای هفت فرزند، بدون اینکه به مقاومت دست بزند، به ضرب گلوله به قتل رساندند. اسرائی را که پول همراه داشتند پس از مصادره پولهایشان، به ردیف به رگبار بستند.

فاضل کریم احمد (جعفر) از دیگر کادرهای وقت حزب شیوعی در کتاب خود: "داستان عروسی امروز" نوشته است: "شرو - یعنی نوشیروان مصطفی"، زندانیان خود را با دستان خود کشت. اسراء کمونیست گفتند که "ما تازه رسیده‌ایم، و مسلح هم نیستیم و حتی اسیر جنگی نیستیم."، نوشیروان مصطفی در پاسخ سکوت کرد، اما آن سکوت سنگین و ننگین را با رگبار شکست و دیوارها و کف اتاق از خون اسراء غیر مسلح سرخ شد.

نوشیروان مصطفی در پیام "پیروزی" خود از طریق بی سیم به "رهبری" اتحادیه میهنی، با بی شرمی و بیرحمی جلادان فاشیست، چنین گفت:

ما حالا پس از "پهن کردن سر" افراد شیوعی، در مقر آنها داریم "لوبیا چیتی کمونیستی" میخوریم.

در رابطه با جنایات او علیه کمونیسم کارگری:

۱۴ ژوئیه سال ۲۰۰۰ "اتحادیه میهنی کردستان عراق" طی برنامه ای از پیش آماده و توافق شده با جمهوری اسلامی ایران، دست به تعرض نظامی همه جانبه ای علیه حزب کمونیست کارگری عراق در شهر سلیمانیه زد. در این حمله ۵ نفر از اعضا و کادرهای حزب کمونیست کارگری عراق و ایران جان باختند. این برنامه مشترک توسط نوشیروان مصطفی جانشین وقت طالبانی اجرا شد. روز ۱۴ ژوئیه با نیروی نظامی زیادی دست به حمله نظامی به دفاتر حزب کمونیست کارگری عراق زدند. در جریان این جنگ "امید نیک بین" مورد اثابت گلوله قرار گرفت و جان باخت. سرانجام عصر آن روز و در

جریان "مذاکره" هیئت حزب کمونیست کارگری عراق با نوشیروان مصطفی، تفنگچی های اتحادیه میهنی بدور از هر نوع پرنسیب، ماشین حاوی پنج رفیق حزب کمونیست کارگری عراق را مورد حمله قرار میدهند که در این جریان "محمد مصطفی"، "رفیق لطیف"، "ابراهیم محمد رستم" معروف به "هاوکار" جان می بازند و "عبدالباسط محسن" معروف به "شیخ عبدل" که از این حمله جان سالم بدر برده و اسیر میشود، توسط مزدوران اتحادیه میهنی تیرباران میشود.

بدنبال این ماجرا نیروهای اتحادیه میهنی درست به شیوه حزب بعث و مزدوران صدام حسین دست به خانه گردی برای دستگیری اعضا و فعالین حزب کمونیست کارگری عراق و ایران میزنند. در روز ۱۶ ژوئیه هیئت مذاکره کننده حزب کمونیست کارگری عراق را در "حین مذاکره" دستگیر میکنند. همزمان با این حملات، افراد مسلح اتحادیه میهنی به نهادهای اجتماعی که توسط فعالین حزب کمونیست کارگری عراق در دفاع از حقوق کودکان و زنان تشکیل شده بود حمله کردند. به "مرکز دفاع از حقوق کودکان" در سلیمانیه حمله و اموال آنرا به تاراج برده و کودکان را بی سرپرست رها کردند. "خانه امن زنان" که برای نگهداری زنان فراری از خطر مرگ قتل های ناموسی تشکیل شده بود را بستند و همزمان "تشکل زنان" را نیز ممنوع اعلام کردند.

نوشیروان مصطفی چند روز بعد با وقاحت اعلام کرد، که این یورش و تعرض ها، پاسخ مثبت او تفنگچی هایش به درخواست "مقامات جمهوری اسلامی ایران" بوده است.